



اول مه امسال در ایران

امسال یکی از سیاسی ترین و پر تحرک ترین اول مه های چند دهه اخیر را پشت سر گذاشتیم. طبیعا نه به لحاظ شکل آکسیونی آن، بلکه به لحاظ تحرک سیاسی و گفتمان های مبارزاتی و طبقاتی ای که به مناسبت این روز جاری شد. یک اتفاق مهم اول مه امسال، قرار گرفتن دو جنبش اعتراضی مهم کارگران و معلمان در کنار یکدیگر بود. بیانیه این اتحاد را جعفر عظیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری و اسماعیل عبدی از رهبران جنبش اعتراضی معلمان از زندان دادند. بیانیه ای که خواست مشخص آن لغو اتهامات تحت عنوان "اخلال در نظم ملی" بود. و معنی این خواست، تاکید بر حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، و آزادیهای وسیع اجتماعی است. تاکید بر حقوقی پایه ایست که در جمهوری اسلامی، جایگاهی ندارد و هر گونه تلاشی در جهت آنها تحت عنوان اخلال در نظم امنیت ملی با زندان و سرکوب مواجه میشود. بعلاوه اینکه این بیانیه کیفرخواستی علیه وضعیت موجود و علیه فقر و ریاضت اقتصادی و برای داشتن یک زندگی انسانی است. بیانیه ای که بیانگر اعتراض کل جامعه و در واقع پلاتفرم مبارزاتی اول مه امسال بود. بیانیه های که جوهر خواستههای مشترک دو قطعهنامه مهم امسال کارگران در اول ماه مه بود.

صفحه ۲

سخنرانی محسن ابراهیمی در مراسم اول مه در تورنتو

با یاد گرامی شاهرخ زمانی و کورش بخشنده!

من هم سلام میکنم به همه شما و به سهم خودم اول مه روز جهانی کارگر را به همه کارگران، به همه آن ۹۹ درصدی ها که یک لحظه از مبارزه علیه یک در صد حاکم باز نایستاده اند، تبریک میکنم. میدانیم که جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی که به جرم دفاع از حقوق کارگران در اسارتگاههای سرمایه داران اسلامی هستند و به اعتصاب غذای خشک دست زده اند. اسارتگاههایی که تعداد زیادی فعال و رهبر کارگری دیگر هم سالهاست در آنها به زنجیر کشیده شده اند اما حتی از پشت میله های زندان هم خواب را بر میلیاردهای حاکم حرام کرده اند.

صفحه ۴

حضور فعال واحدهای حزب کمونیست کارگری در اول مه

صفحه ۴

علیه فقر

علی جوادی

اگر مورخ منصفی بخواهد تاریخ اعتراض کارگری و تاریخ سوسیالیسم در ایران را در این دوره به نگارش در آورد از مشاهده چند نکته تعجب خواهد کرد. خواهد پرسید: چرا کارگران علیرغم مبارزات متعدد و گسترده خود کماکان اسیر سخت ترین شرایط فلاکتبار اقتصادی و سیاسی هستند؟ چرا حقوق صدها هزار کارگر باید ماهها پرداخت نشود؟ چرا حقوق و مزایای کارگر حتی یک چهارم خط فقر هم نیست؟ چرا قرارداد سفید در مقابل کارگر میگذرانند و کارگر ناچار است برای اینکه بتواند زندگی کند ناچار امضای خود را زیر آن میگذارد؟ چرا دستمزد واقعی کارگر در حال نزول است؟ چگونه است که این شرایط برده وار را به کارگران تحمیل کرده اند؟

صفحه ۵

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۵۹

جمعه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵، ۶ مه ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

* راه دفاع از کارگران و معلمان زندانی
اعتصاب غذا نیست!

* ایران، عربستان و "مشکل اینترنت!"
* "اخلال در امنیت"

صفحه ۷

گرانی ها و یک کالای ارزان

کیوان جاوید

صفحه ۶

سخنی با معلمان

درمورد بیانیه ۳۵۷ معلم در حمایت از

معلمان زندانی

شهلا دانشفر

صفحه ۸

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

از ما میپرسند: ؟

آیا بعد از شکست کمونیسم در چین
و شوروی و تبلیغات عظیم ضد

کمونیستی رسانه ها کمونیسم همچنان شانس
موقیبت دارد؟

صفحه ۹

اول مه امسال در ایران

حمایت گسترده از بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی از سوی تشکل های کارگری چون نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، کانون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای شرکت واحد، کانون صنفی معلمان در شهرهای اسلامشهر، بروجرد، زنجان، خراسان، حمایت جمعی از پرستاران تهران و مراکز پیگیری چون بازنشستگان صنایع فلزی، کارگران اخراجی زاگرس قروه، کارگران اخراجی پریس سنندج، کارگران لوله های گاز خانگی سنندج، جمع های کارگران ساختمانی تهران، ۴۱ زندانی سیاسی و زندانیانی که تحت عنوان غیر سیاسی در زندان رجایی شهر بسر میبرند، و... همه و همه بطور واقعی تدارک سیاسی گسترده برای روز جهانی کارگر بود.

همچنین به مناسبت روز جهانی کارگر، از کارخانجات و مراکز کارگری مختلف چون معدن چادرملو، کفش ملی و بلا، و از سوی کارگران پروژه ای پارس جنوبی، پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام، فعالین کارگری در جنوب، و محور تهران و کرج، شوش و اندیمشک، کارگران از چهار مرکز کارگری در خرم آباد از جمله از یخچال سازی، پارسیلوم خرم آباد، سامان کاشی بروجرد، کارگران از فرش پارس قزوین، بازنشستگان لوازم خانگی آزمایش، کارگران اخراجی زاگرس قروه، جمعی از زنان کارمند شرکتهای دولتی استان کهگیلویه و بویر احمد، زنان کارگر کارگاههای خیاطی شمال غرب تهران و لبنیات

است. خواستههای مهم دیگر این قطعنامه ها برابری کامل زن و مرد در تمام شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ممنوعیت کار کودکان و داشتن یک زندگی انسانی برای آنان، حق شهروندی برابر برای کارگران مهاجر و از جمله مهاجران افغانستان، حقوق پایه ای بازنشستگان و... است. در این قطعنامه ها کارگران بر لغو مجازات اعدام و داشتن یک زندان انسانی تاکید کردند. بدین ترتیب در اول مه امسال کارگران با قطعنامه هایشان بطور واقعی خواستههای کل جامعه را نمایندگی کردند و کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری و بردگی کاری اعلام داشتند.

در برابر چنین ابعادی از تحرک برای برگزاری روز جهانی کارگر، جمهوری اسلامی با هفته کارگش و با بسیج نیروی سرکوبگرش به مقابله برخاست. تحت عنوان روزهایی چون بیعت با امام، بیعت با اقتصاد مقاومتی و غیره تلاش کردند، این روز را عملاً منکر شوند. و در بسیاری از شهرها فعالین کارگری را احضار، تهدید و از برگزاری روز جهانی کارگر برحذر داشتند. از جمله در سنندج شریف ساعد پناه، شیب امانی، یدالله صمدی از اعضای اتحادیه آزادی کارگران ایران و فعالین کارگری دیگر از کمیته هماهنگی احضار و تهدید شدند.

اما علیرغم همه این تمهیدات امسال کارگران در ایران با تدارک سیاسی وسیع خود از قبل از اول مه به استقبال این روز رفتند و پاسخ همه خزعبلات حکومت اسلامی و سرکوبگریهایش و اقتصاد مقاومتی اش را دادند. اول مه امسال بیش از هرچیز اعلام عزم راسخ کارگران برای پیگیری خواستهها و اعتراضاتشان بود. خواستههایی که امروز نه فقط بندهایی از قطعنامه های کارگران است، بلکه موضوع کارزاری اجتماعی و مبارزات هر روز کارگران در بیرون از زندان و در زندان است.

روز کارگر دولتی و خانه کارگری های رسوا
خانه کارگرها بجای اول مه امروز ۳۰ آوریل تجمعی تحت

عنوان روز کارگر برگزار کردند. این اولین تلاش حکومت اسلامی برای زدن زیر روز جهانی کارگر اول مه بود. جمهوری اسلامی از همان آغاز کارش با اعلام اینکه همه روز، روز کارگر است، تلاش داشت کلاً اول مه را خط بزند. اما زیر فشار جنش کارگری، ناگزیر شدند که از روز کارگر حرف بزنند. و برای اینکه این روز را از محتوی طبقاتی و تاریخی اش، جدا سازند، هر ساله هفته کارگر را اعلام کرده و روز من در آردی ۱۱ اردیبهشت را "روز کارگر" میخوانند. اما کارگران هر سال با تحرک بیشتری به تدارک روز جهانی کارگری میروند. به مناسبت این روز قطعنامه داده و همراه با کارگران در سراسر جهان، کیفرخواست خود را علیه توحش سرمایه داری اعلام کرده و بر خواستههای فوری خود تاکید میکنند. امسال تلاش کردند بر سر برگزاری روز جهانی کارگر گسترده تر از هر سال بود.

امسال اول ماه مه روز جهانی کارگر با ۱۲ اردیبهشت مصادف شده است. و تشکلهای کارگری و تشکلهای مختلف اجتماعی چون کانون نویسندگان، ندای آزادی زنان، انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران و جمع های کارگری از شهرهای مختلف به مناسبت روز جهانی کارگر به عنوان یک روز بزرگ اعتراض علیه سرمایه داری و تمامی مصائبش پیام داده و کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری حاکم اعلام کرده اند.

مراسم "روز کارگر" خانه کارگر جمهوری اسلامی، بدنبال هفته کارگر دولتی تحت عناوین "کارگران، امام و انقلاب و تجدید میثاق با بنیانگذار جمهوری اسلامی، کار، کارگران، اقدام و عمل و اقتصاد مقاومتی، برگزار شد و بیعتی با اقتصاد مقاومتی، خامنه ای و ریاضت اقتصادی جمهوری اسلامی بود. کارگران و کل جامعه از جهنم جمهوری اسلامی به ستوه آمده و در کمین پایان دادن به جهنمی هستند که زندگی و معیشتشان را هر روزه به تباهی میرسد، اینها کارگر را به اقتصاد مقاومتی و بیعت با امام و نظام فرا میخوانند. خانه کارگر جمهوری

اسلامی دشمن کارگران و حافظ حکومت است و به هیچوجه ربطی به کارگران ندارد. این پادوهای حکومتی آتش بیار معرکه برای چلاتن بیشتر کارگران و پیاده کرده های ریاضت اقتصادی جمهوری اسلامی و اقتصاد مقاومتی ولی فقیه شان هستند. اینان در این روز از جاهای مختلف نیرو جمع کرده و به محل آورده بودند تا بویژه به دنیا نشان دهند که اوضاع امن و امان است و در این اجتماع حضور نیروی انتظامی بسیار محسوس بود. چون جمهوری اسلامی تجربه سالهای گذشته را دارد که کارگران توانستند، مراسم دولتی را بدست بگیرند و آن را به صحنه اعتراض خود تبدیل کنند و از تکرار آن خصوصاً در اوضاع پر التهاب سیاسی امروز وحشت داشتند.

جالب اینجاست که ایلنا سایت رسمی خانه کارگر مدعی شده است که هزاران نفر در این مراسم شرکت کرده است. اما گزارشات دریافتی حکایت از جمعیت های پراکنده در محل را دارد. و این در حالیست که در سوی دیگر در خیابان طالقانی کارگران شرکت واحد به مناسبت روز جهانی کارگر و با قطعنامه ای که امضای ۴ تشکل کارگری دیگر نیز در زیرش بود و جوهر مشترکی با دیگر قطعنامه های اول مه را داشت، جمع شدند و بر خواستههایشان پا فشردند.

محور سخنرانی ها و قطعنامه "روز کارگر" دولتی خانه کارگری ها، دعوت به اقتصاد مقاومتی و تاکید بر تولید ملی بود. بدین ترتیب خانه کارگری امسال نیز در کنار دولت تبصیر و امیدشان و با تاکید بر ریاضت اقتصادی و بیعت با جمهوری اسلامی و خمینی، ضدیت آشکار خود را با کارگران هر چه بیشتر آشکار ساختند.

به گزارش شاهدان عینی خانه کارگری ها از وحشت اینکه مبادا اوضاع از کنترلشان خارج شود، در معیت نیروی انتظامی سعی کردند بعد از تشریفات اولیه فوراً برنامه را خاتمه دهند و از جمله محبوب دبیر کل خانه کارگر بعد از پایان سخنان تحت عنوان اینکه زود

از صفحه ۲

اول مه امسال در ایران

اطراف آزاد شدند.

سندیکای شرکت واحد یکی از ۵ تشکیلی است که به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه دادند و بر خواستهایی چون افزایش دستمزدهای به بالاتر از ۳ میلیون و پانصد هزار تومان، آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیای و برابری زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تاکید گناشتند و به دستمزدهای زیر خط فقر و سیاست ریاضت اقتصادی دولت و سرکوبگریهای و پرونده سازی برای کارگران تحت عناوینی چون اخلاص در نظم ملی، اعتراض کردند.

مارش اول مه کارگران در سنندج

روز ۱۲ اردیبهشت کارگران و مردم در مرکز اصلی شهر و با بلند کردن پلاکاردهای سرخشان روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. رژه کارگران ساعت یازده صبح از اول خیابان انقلاب شروع و تا نزدیک خیابان سپروس ادامه داشت. شرکت کنندگان در این تظاهرات با در دست داشتن پلاکاردهایی که در آن شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، دستمزدهای معوقه کارگران باید فوری پرداخت گردد، بیمه بیکاری برای تمامی کارگران بیکار و آماده به کارف اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام گردد و طرح مطالبات دیگر از جمله اعتراض به بیکاری و دستمزدهای زیر خط فقر و حق داشتن تشکلهای مستقل کارگری نوشته شده بود، به خیابان آمده و اول مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

بنا بر خبرها امسال نیز سرکوبگران رژیم اسلامی تمام تلاش خود را کردند که از مراسم اول مه جلوگیری کنند و باز مثل همیشه در مقابل اراده و عزم

کارگران سنندج زانو زند و نظاره گر ماندند. در مراسم اول مه در سنندج کارگران در قطعنامه شان ضمن اعلام کیفرخواست خود علیه توحش سرمایه داری بر خواستههای فوری ای آزادی ایجاد تشکل و حق اعتصاب، بیمه بیکاری مکفی برای همه، درمان رایگان و ارائه خدمات درمانی در سطح استانداردهای پیشرفته جهانی، تحصیل رایگان ارتقاء سطح دستمزدها در سطح یک زندگی انسانی، لغو اتهامات اقام علیه امنیت ملی و دیگر اتهامات امنیتی برای فعالان کارگری و معلمان و سایر فعالین سیاسی در جامعه، لغو کار کودکان، برابری زن و مرد، و لغو هر گونه محدودیت در برگزاری روز جهانی کارگر تاکید کردند. کارگران در سنندج قبلا نیز با برپایی گلگشت به استقبال روز جهانی کارگر رفت.

قبل از این روز نیز کارگران در سنندج با گلگشت خود به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و شب نیز به مناسبت روز جهانی کارگر، شهر سنندج را نور افشانی کردند.

*برگزاری نمایشگاه عکس در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

نمایشگاه عکس نسیم کابندی با محوریت کارگران و به مناسبت ۱ مه (روز جهانی کارگر) از روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت تا جمعه ۱۷ اردیبهشت در محل پروژه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در بزرگراه نواب جنوبی در جریان است. بنا بر خبر در این نمایشگاه عکس‌هایی از کارگران در محیط کارشان به نمایش در خواهد آمد.

گرامی داشت روز جهانی کارگر در زندان گوهردشت کرج

روز ۱۰ اردیبهشت مراسمی به مناسبت اول مه ماه از سوی زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت کرج برگزار شد. در این مراسم زندانیان سیاسی طی بیانیه ای یاد شاهرخ زمانی از رهبران کارگری را که در زندان به قتل رسید، را گرامی داشتند و ضمن اعتراض به محرومیت کارگران از حق برپایی مراسم مستقل اول ماه مه، اعتراض خود را علیه فقر و سرکوب و بی حقوقی کارگران و کل جامعه

اعلام داشتند.

اول ماه مه در شهر سقز و بانه

روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه همزمان با اول ماه مه، جمعی از کارگران و فعالین کارگری شهر سقز مراسمی به مناسبت "روز جهانی کارگر" برگزار کردند. در این مراسم، کارگران و فعالین کارگری شهر سقز از خیابان "فخر رازی" که محل تجمع کارگران و زحمتکشان دست فروش این شهر می باشد، با در دست داشتن پرچم سرخ، به طرف میدان کارگران ساختمانی حرکت نمودند و در این میدان مراسم خود را همراه با دیگر کارگران و زحمتکشان حاضر در محل برگزار کردند سخنران این مراسم با شکوه کارگر مبارز عثمان اسماعیلی بود.

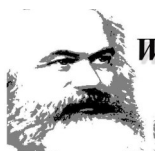
عثمان اسماعیلی قبل از هر چیز به جنبانخته گان اول ماه مه و تمامی جنبانخته گان راه رهایی کارگران درود فرستاد. او در سخنرانی پر شورش به روز جهانی کارگر اشاره کرد و گفت روز جهانی کارگر روز ماست! اما در ایران بجای ما کارگران مسئولان و کارفرمایان استثمار گر آن را برگزار می کنند. مسئولان و کار فرمایانی که بخاطر برگذاری مراسم روز جهانی کارگران ما را بازداشت و بعد از شکنجه محکوم به زندان و زندانی می کنند. او در بخش دیگر از سخنانش به بیمه کارگران ساختمانی اشاره کرد و گفت مدتی است که کارگران ساختمانی را بیمه می کنند. اما آیا تا به امروز به شما وبه ما کارگران گفته اند که چه مزایایی شامل حال ما کارگران ساختمانی میشود؟ آیا دولت به ما کارگران که در سال تنها ۶ ماه احتمال کار کردن داریم بیمه بیکاری را پرداخت میکند؟ آیا دولت مردان اطلاع دارند که دولت موظف است در مدت بیکاری به ما کارگران بیمه بیکاری پرداخت کند. مراسم و سخنان، سخنران با استقبال گرم و پر شور شرکت کنندگان و حاضران در محل رو پرو شد. بعد از اتمام

مراسم برگزار کنندگان قبل از رسیدن نیروهای انتظامی محل را ترک کرده اند.

بنا بر خبرها شامگاه شب نیز فعالین کارگری در شهرهای سنندج، سقز و بانه اقدام به نور افشانی در سطح این شهرها کردند. همچنین جمعی از فعالین کارگری در شهر بانه به میان کارگران ساختمانی واقع در میدان "مروتی" رفته و ضمن تبریک روز جهانی کارگر به کارگران و پخش شیرینی این روز را گرامی داشتند و یاد و خاطره جنبانختگان این روز را گرامی داشتند.

برگزاری گل گشت خانوادگی کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر در کرج

روز ۱۰ اردیبهشت بر طبق سنت هر ساله مراسم گلگشت خانوادگی به مناسبت روز جهانی کارگر (اول ماه مه) توسط گروههای کوهنوردی کارخانجات استان البرز و تهران برگزار گردید. بنا بر خبر منتشر شده در سایت اتحاد در آخرین جلسه اداره کار با مسئولین گروه های کوهنوردی کارگری کارخانجات قرار بود که مراسم گل گشت خانوادگی در روز جمعه ۱۰ اردیبهشت با میزبانی کارخانه قالبهای بزرگ صنعتی سایپا در کرج اجرا شود. اما در روز چهارشنبه دو نفر از مسئولین کوهنوردی کارگران البرز از طریق ستاد خبری (اطلاعات) احضار و به آنها اعلام شد که حق برپایی این گلگشت را ندارند. متعاقبا در روز پنجشنبه (۹ اردیبهشت) از اداره کار به کارخانجات نیز رسماً اعلام گردید که این برنامه نبایستی اجرا گردد. اما علیرغم همه این اخطارها این مراسم در اطراف کرج توسط تعدادی از کارگران و خانواده هایشان برگزار شد. در این مراسم جمعیتی صد نفره گرد آمده بودند و موضوع اصلی سخنرانی ها اعتراض به استثمار و وجود نابرابری عمیق طبقاتی در جامعه و وضعیت نابسامان کارگران و بخش عظیمی از جامعه بود.



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

از صفحه ۱

با یاد گرامی شاهرخ زمانی و کورش بخشنده!

سخنرانی محسن ابراهیمی در مراسم اول مه در تورنتو



از صفحه ۱

حضور فعال واحدهای حزب کمونیست کارگری در اول مه

زندانیان سیاسی، محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران و مردم و اخراج این رژیم از سازمان جهانی کار را به امضای فعالین کارگری رساندند.

در ونکوور و ویکتوریای کانادا فعالین حزب نقش فعالی در راهپیمایی اول مه داشتند. مسعود ارژنگ کادر حزب و پریزینت لوکال اتحادیه خدمات عمومی و عباس ماندگار کادر حزب و از سازماندهندگان اول مه در ویکتوریای کانادا، در باره وضعیت کار و زندگی کارگران در ایران سخنرانی کردند. شرکت کنندگان در راهپیمایی اول مه در ونکوور ضمن اعلام حمایت از مبارزات کارگران در ایران، خواهان آزادی کارگران زندانی شدند. فعالین حزب همچنین در لندن، تورنتو و ونکوور و لندن به مناسبت اول مه مراسم های مشترکی با تعدادی از احزاب چپ برگزار کردند.

لازم به توضیح است که همزمان با اول مه چهار اتحادیه کارگری در سوئد با صدور قطعنامه ای، از مبارزات کارگران ایران حمایت کردند، دستگیری رهبران کارگری را محکوم کردند و خواهان آزادی کارگران و معلمان زندانی شدند.

اعلام کنیم. موفق و سرفراز و پیروز باشید
اول مه ۲۰۱۶ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵
این مراسم توسط کمیته برگزاری مراسم روز جهانی چپ و کمونیست و تشکلهای کارگری از جمله حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شده بود.

فعالین حزب در اول مه امسال در کشورهای مختلف حضور برجسته و سازمانیافته ای در تظاهرات و راهپیمایی ها داشتند و در بیش از ۱۵ شهر اروپا، استرالیا و آمریکای شمالی در مراسمها و راهپیمایی های اول مه فعالانه شرکت کردند.

فعالین حزب در شهرهای استکهلم، گوتنبرگ، مالمو و بسورس در سوئد، فرانکفورت، کلن، برلین، لایپزیک، هامبورگ، هانوفر و برمن در آلمان، لندن، تورنتو و ونکوور، ویکتوریا و سیدنی... فعالانه پایای کارگران و مردم معترض در راهپیمایی ها شرکت کرده و با حمل پلاکاردها و بنرهای متعدد علیه سرمایه داری و در دفاع از سوسیالیسم و همچنین با حمل پلاکاردهایی با تصاویری از کارگران و معلمان زندانی در ایران، بر ضرورت همستگی جهانی کارگران علیه بیعدالتی و توحش سرمایه داری تاکید کردند و صدای مبارزه کارگران ایران را به گوش دیگران رسانیدند.

فعالین حزب همزمان با راهپیمایی، با بر پا کردن چادرها و میزهای اطلاعاتی، هزاران نسخه از اطلاعاتیه حزب را در میان مردم پخش کردند و قطعنامه ای با خواست آزادی فوری کارگران، معلمان و کلیه

ما میتوانیم و باید جمهوری اسلامی سرمایه داری را در هم بشکنیم و دریچه امیددی در مقابل تلاش ۹۹ درصدیهای جهان، مخصوصا کارگران و زنان و جوانان منطقه از فساد و تباهی حاکم باز کنیم.

بگذارید به مناسبت روز جهانی کارگر یک بار دیگر عزم راسخمان را برای مبارزه تا آخر با این موجود پلید یعنی جمهوری اسلامی سرمایه و سرمایه داری را با صدای بلند

حکومت را به هم وصل میکند. در مقابل این تصویر تیره و تار اما غول ۹۹ درصدیها یک دم از تلاش و مبارزه باز نایستاده اند. از خیابانهای تهران در ۸۸ تا میدان تحریر قاهره تا میدان خورشید مادرید تا میدان جمهوری فرانسه تا حتی خیابانهای آزمایشگاه خونین نظم نوین یعنی بغداد مردم ستمدیده پا خاسته اند و برای کرامت و حرمت انسانی خود مبارزه میکنند.

خواست و تمایل برابری و آزادی سوسیالیستی آنقدر قدرتمند هست که حتی سیاستمداران جناح چپ خود دمکراسیهای سرمایه داری را مجبور کرده است از انقلاب سیاسی حرف بزنند و خود را یک جوری سوسیالیست خطاب کنند.

اما روشن است که تنها و تنها یک نیرو میتواند بشریت را از منجلاب سرمایه داری نجات دهد.

طبقه کارگری که همه چیز را خلق میکند و نصیب خودش فقط زنجیر بردگی است. طبقه کارگری که برای رهایی خودش مجبور است بنیاد همه نابرابریها و همه تبعیضها یعنی سرمایه داری را از بین ببرد.

طبقه کارگری که با از بین بردن بنیاد همه نابرابریها همه مردم را آزاد میکند. تنها طبقه کارگر متشکل در حزب سیاسی خودش، حزبی که بر پرچمش نوشته شده است آزادی، برابری، سوسیالیسم میتواند کره زمین و ۷ میلیارد انسان را از جهنم سرمایه داری نجات دهد.

تا آنجا که به ما و اول می مربوط است، به ما کارگران و میلیونها مردم معترض ایران، به مایی که اینجا برای بزرگداشت روز جهانی کارگر جمع شده ایم،

آب و هوا را هم با بیرحمی تمام تخریب میکنند طوری که اگر طبقه کارگر و نیروهای سوسیالیست نجنبند سرمایه میتواند حتی هوا را هم کالا کند و از قبش سود و ثروت انبار کند. البته باید اعلام کرد جمهوری اسلامی در همه این موارد پرونده بسیار سنگینی دارد.

سرمایه داری هیچ چیزی برای انسانها ندارد جز فقر، بیکاری، ترور، جنگ و کشتار مذهبی و قومی، آوارگی و بیخانمانی و بی پناهی. سرتاپای این نظام را فساد و گندیدگی و بحران فرا گرفته است. اقتضای مالی پاناما فقط اخیرترین نمونه دزدی سازمانیافته میلیاردها از جیب توده های زحمتکش است.

صاحبان سرمایه و دولتپاشان سالهاست که بیش پیش شبیه فرنگشتاین شده اند که اندام مردگان تاریخ را به هم میچسبانند و هیولاهای کریه منظری مثل جمهوری اسلامی، طالبان و داعش خلق میکنند و به جان بشریت میاندازند.

مهم نیست چقدر این هیولاها از کنترل صاحبانشان خارج میشوند، مهم این است که سرمایه داری روی ترس دائم بشریت از این هیولاها حساب میکند. بوسیله آنها به زندگی مردم خون و لجن میپاشد و البته با کمال وقاحت در قامت ناجی مردم جهان از این موجودات خود ساخته هم ظاهر میشود!

یکی از این هیولاها حکومت اسلامی است که همه رزائتهای سرمایه داری را یکجا در خود جمع کرده است. در اقتصاد سود، در سیاست سرکوب، در ایدئولوژی ارتجاع محض، در اخلاقیات دروغ و ریا و شبیادی کم سابقه خط چرکینی است که همه جناحهای این

بیائید روز جهانی کارگر را به این فرزندان آگاه و جسور طبقه کارگر در ایران صمیمانه تبریک بگویم و اعلام کنیم هر صدمه ای به جان وزندگی آنها مسئولش مستقیما سران تبهکار جمهوری اسلامی سرمایه هستند که همین کارگران در فردای سرنگویششان مقابل مردم جهان محاکمه شان خواهند کرد.

اول مه سنتا روز همبستگی جهانی کارگران و اعلام مجدد پیمان مبارزه علیه نظام سرمایه داری است. هر روز که میگذرد بیشتر معلوم میشود که چقدر مبارزه متحد و متشکل طبقه کارگر نه تنها ضروری بلکه حیاتی است. یک لحظه به اطراف خود نگاه کنید. اینها فقط گوشه کوچکی از کارنامه سرمایه داری است: ثروت ۶۲ میلیارد مفتخور برابر با ثروت ۷ میلیارد انسان است!

یک میلیارد انسان یعنی بیش از ۱۲ برابر جمعیت ایران شبها را گرسنه به صبح میرسانند.

۱۷۰ میلیون کودک در جهان را به بردگان کار تبدیل کرده اند که برای مفتخوران جهان ثروت تولید میکنند.

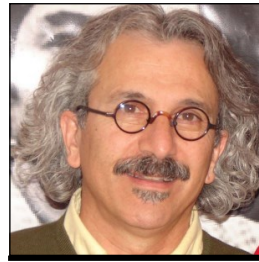
هر روز بیش از ۲۶ هزار کودک زیر پنج سال جان میبازند چون دوا و درمانشان را صاحبان سرمایه گرو گرفته اند تا از قبش سود و سرمایه انباشت کنند.

بحران پناهندگی هم یک نمونه دیگر از جهنم سرمایه داری است. از یکطرف زنجیر آدمخواران هار اسلامی را باز کرده در منطقه ول کرده اند و از طرف دیگر مرزهایشان را بسته اند. و سهم اغلب این آوارگان از رویای رهایی یا اعماق دریاهاست یا گورستانی بی نام و نشان در جزیره لسبوس یونان. و بالاخره زمین و طبیعت و

از صفحه ۱

علیه فقر

علی جوادی



مسئله چیست؟ مشکل کجاست؟ معضل را در کجا باید جستجو کرد؟ این پدیده کج و معوج چگونه شکل گرفته است؟ چه باید کرد؟ حلقه گری کدام است؟ این شرایط را چگونه میتوان تغییر داد؟ جنبش کمونیسم کارگری و حزب ما باید به این سئوالات پاسخی پراتیک بدهد! آنهایی که سئوالاتی ندارند مسلماً راه حلی هم ندارند و بخشی از راه حل هم نخواهند بود. آنهایی که وضع موجود به فکر وادارشان نمیکند، مسلماً بخشی از واقعیت آتی هم نخواهند بود. برای ما اما وضع موجود باید تغییر کند. بخاطر آینده کارگر، بخاطر آینده جامعه و اکثریت عظیم توده هایمردم این وضعیت باید تغییر کند. برای درک ملزومات تغییر باید از شناخت مکان و جایگاه سیاسی و اقتصادی فلاکت اقتصادی در حفظ اسارت طبقه کارگر شروع کرد.

سیاست فلاکت اقتصادی

آنچه در ایران شاهد آن هستیم فلاکت اقتصادی همه جانبه و رو به گسترش است. فقر و فلاکت گسترده و همه جانبه است. فقری که پیکره جامعه و زندگی مردم کمارکن را در چنگال خود به اسارت گرفته است. سرکوب سیستماتیک و وحشیانه رژیم اسلامی فاکتوری تعیین کننده در ایجاد و بقای چنین شرایطی است. سرمایه داری در ایران بر مبنای "کار ارزان و کارگر خاموش" سازمان داده شده است. کار ارزان و کارگر خاموش بیجان رابطه اقتصاد و سیاست در سرمایه داری ایران است. سرمایه داری در ایران با توجه به سطح نازل تکنولوژیک، دانش فنی و ضعف ساختارهای رو بنای تولیدی برای سود آوری و انباشت سرمایه، اساساً بر مبنای کار ارزان و کارگر فوق استثمار شده بنا شده است. برای ارزان نگه داشتن کارگر، برای جلوگیری از گسترش سهم طبقه

حاکمیت و چه در اپوزیسیون بر این سیاست متفق القولند. این بربریتی است که تمام دستگاه سرکوب و تحمیل آخوند و اسلام و سرمایه برای حفظ و تداوم آن بر پا شده است.

از طرف دیگر تحمیل چنین موقعیت اقتصادی فلاکت آمیزی به طبقه کارگر فقط عاملی در کارکرد رویتین سرمایه در ایران نیست، یک ضرورت سیاسی حفظ دستگاه حاکمیت کثیف اسلامی در شرایط کنونی هم است. واقعیت این است که فاکتور اقتصاد در جامعه ایران نقشی دوگانه دارد. نقشی سیاسی و اقتصادی. به عبارت دیگر تحمیل فلاکت اقتصادی یک رکن اساسی هدف سرکوبگری رژیم اسلامی است. در اینجا تأکید بر این نکته است که اعمال سیاست فلاکت اقتصادی در عین حال جایگاه و مکانی سیاسی برای حکومت اسلامی دارد. یک نقش سیاسی تعیین کننده. این فاکتور عامل مهمی در تقلیل انرژی و توان اعتراضی کارگر و عاملی در زمین گیر کردن اعتراض کارگری است. یک سیاست آگاهانه از جانب دولت اسلامی برای حفظ سلطه سیاه اسلام بر جامعه است. شرطی برای بقاء حفظ اسلام سیاسی در راس حاکمیت سرمایه در ایران است. به عبارت دیگر فلاکت اقتصادی مانند تحریم اقتصادی یا حمله نظامی یک سلاح کشتار دسته جمعی است. عاملی در جهت نابودی تدریجی و دسته جمعی بخشهایی از جامعه است.

به لحاظ سیاسی هم مساله این است که کارگری که توان اقتصادی دارد، میتواند هزینه اعتراض را بدون چشم انداز نابودی خانواده خود تحمل کند. و این واقعیت مساله ای تعیین کننده در مبارزه برای آزادی جامعه و رهبری اعتراضات مردم است.

امروز حتی کودکان ترین نمایندگان سیاسی سرمایه در ایران میدانند که تفنگ و سرنیزه و شلاق به تنهایی قادر به مهار و کنترل طبقه کارگر معترض در جامعه نیست. میدانند که باید قدرت تحرک طبقه کارگر را با سلاح کشتار دسته جمعی فلاکت اقتصادی هم محدود

کنند. باید طبقه کارگر را فاقد توان و تحمل اقتصادی هر گونه مبارزه جدی ای کنند. رابطه اقتصاد و سیاست در حکومت اسلامی رابطه ای فرای مناسبات و ملزومات اقتصادی کارکرد سرمایه است. در عین حال سیاسی است. از این رو در ایران مبارزه اقتصادی یک عرصه تعیین کننده و حیاتی مبارزه طبقاتی است. سرنوشت ساز است. سرنوشت بسیاری از مبارزات کارگری را نه قدرت و زور اسلحه و توحش سرکوبگری سرمایه بلکه در عین حال فشار و استیصال اقتصادی تعیین میکند. در یک کلام فلاکت اقتصادی در ایران ضرورت و اهمیتی سیاسی هم دارد. از این رو مبارزه علیه آن هم به همان اندازه تعیین کننده است. و این مساله در شرایطی ضرورتی حیاتی دارد.

مکان اجتماعی مبارزه علیه فلاکت اقتصادی

اگر تحمیل یک فلاکت اقتصادی گسترده و بازتولید شده علاوه بر اینکه از ضروریات کارکرد اقتصادی نظام سرمایه داری نشأت میگیرد و دارای ضرورت سیاسی در سرپا نگه داشتن حاکمیت سیاه اسلامی است □ در طرف مقابل نیز مبارزه گسترده اقتصادی طبقه کارگر علاوه بر مکان آن در بهبود زندگی روزمره کارگر و مردم زحمتکش، دارای اهمیتی سیاسی و تعیین کننده در افزایش توان مبارزاتی طبقه و سرنوشت سیاسی جامعه دارد. این مبارزه ای است که هر بخش طبقه کارگر در اشکال مختلف هر روزه با آن درگیر است. باید سازماندهی و متشکل و هدایت شود.

مسئله ای که ما با آن مواجهیم این است که طبقه ما در مبارزه اقتصادی صدمات بسیاری را متحمل شده است. تلاش برای بقاء و تأمین معاش زندگی یک مشغله اساسی طبقه ماست. بیکاری یک واقعیت خشن زندگی کارگر است. گرانی یک واقعیت نابود کننده زندگی طبقه ما است. تورم قدرت خرید کارگر را به شدت محدود کرده است. دو شیف کاری واقعیت زندگی بخشهایی گسترده ای از طبقه کارگر است. بیکار سازی و

تعطیل نیروی انسانی یک تهدید جدی در بالای سر کارگر است. رقابت برای کار و شغل در حد بالایی در صفوف کارگران جاری است. کار قراردادی و موقت بر شدت نا امنی اقتصادی افزوده است. از این رو طبیعی است که در عین مبارزه بر سر نابودی این نظام سراسر کثافت مبارزه فی الحال جاری بعضاً بر سر مطالبات زیر است:

۱- افزایش فوری دستمزدها به بالای سه میلیون و نیم تومان در ماه، ۲- ممنوعیت اخراج و بیسکارسازی، ۳- الغای قراردادهای موقت و "سفید امضا" و کار کنتراستی و سایر مطالباتی که در قطعنامه های تشکلات کارگری به مناسبت اول ماه قید شده است.

مبارزه برای تغییر این شرایط یک عرصه نبرد تعیین کننده در مبارزه طبقه کارگر است. هر درجه پیشروی طبقه کارگر در این عرصه تسهیل کننده امر پیشروی سیاسی طبقه کارگر و ایفای نقش سیاسی و تعیین کننده خود در تحولات سیاسی و کلیدی جامعه است. اما کلید مساله در سازماندهی و مبارزه توده ای و عملی برای خواسته های مردم و حیاتی طبقه است. طبقه ما زیر فشار اقتصادی سهمگینی قرار دارد. بعنوان یک طبقه تحت فشار اقتصادی خرد کننده است. از این رو هر درجه بهبود اوضاع اقتصادی به معنای بالا رفتن حرمت انسانی کارگر و مردم زحمتکش و به معنای بالا رفتن توان مبارزاتی برای حضور در تحولات سرنوشت ساز جامعه است. بهبود دائمی موقعیت اقتصادی و اجتماعی کارگر امر همیشگی طبقه کارگر است. کارگر بدون مبارزه دائمی، گاه آشکار گاه پنهان، برای بهبود موقعیت اقتصادی خود اصولاً مبارزه علیه فلاکت اقتصادی جایگاه برتر است. تعیین کننده تری از مبارزه همیشگی طبقه دارد. مساله بر سر فنای تدریجی یا تغییر بنیادی و دورانساز جامعه است. واقعیت ساده این است که هر چه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بالاتری برخوردار باشد به همان درجه شرایط برای یک تعیین تکلیف قطعی با نکبت

سیاسی - اقتصادی موجود مناسب تر است، و حزب ما و جنبش کمونیسم کارگری باید در صف مقدم چنین مبارزه ای قرار داشته باشد.

سازماندهی توده ای

پیشبرد چنین مبارزه ای مستلزم سازماندهی توده ای است. این مبارزه کار محافل و عناصر دلسوز کارگر و یا به نیابت از رهبران و توده کارگر نیست. پیشبرد چنین مبارزه ای کار و امر خود کارگران و رهبران کارگری و تشکلات کارگری است. اما چگونه میتوان چنین مبارزه توده ای گسترده کارگری را در مقابله با فلاکت اقتصادی به پیش برد؟ به یک مجموعه سوال در این زمینه باید پاسخ داد؟ چگونه باید سازمان داد؟ کدام پرچم سیاسی را باید در این عرصه در دست گرفت؟ ملزومات سیاسی و سازمانی چنین مبارزه ای چیست؟ موانع سبک کاری و عملی کدام است؟ نیروی این مبارزه را چگونه باید گرد آورد؟

چنین مبارزه ای مستلزم سازمان و تشکل است. اما تشکل و سازمان با تبلیغ آن الزاما ایجاد نمیشود و با تبلیغ ضرورت آن شکل نمیگیرد. هدایت مبارزه کارگری بدون وجود صف گسترده ای از رهبران عملی و رادیکال کارگری ممکن نیست. ایجاد چنین سازمانی از بالای سر این رهبران و فعالین کارگری ممکن نیست. رهبرانی که مورد اعتماد کارگران در محیط کار و زندگی شان هستند. سازماندهی کارگری مستلزم حضور دائم در محل و برخورد مدام به موانع کار و شناخت دقیق از نوع

حرکتی است که باید سازمان داده شود. چنین مبارزه ای مستلزم دخالت علنی و داشتن عناصر و چهره های علنی کار در جنبش کارگری است که این تلاش را در دستور کار خود قرار دهند. به اعتباری، مجموعه ای از فعالین و رهبران رادیکال سوسیالیست جنبش کارگری باید پرچمدار چنین حرکتی شوند. سیاست کمونیستی کارگری در شرایط کنونی باید بر محور پیشبرد چنین امری و گرد آوری صفی از این رهبران و فعالین در صفوف جنبش طبقه کارگر متمرکز شود. این رهبران و فعالین کارگری باید ضرورت چنین امری را در دستور خود قرار دهند.

چنین مبارزه ای نمیتواند یک مبارزه مخفی، غیر علنی و یا غیر "قانونی" و "زیر زمینی" باشد. مبارزه و سازماندهی توده ای و ایجاد تشکل لازم بمنظور پیشبرد این مبارزه مستلزم پیشبرد یک مبارزه "قانونی" و علنی است. مسلما "مبارزه قانونی و علنی" به معنای محدود کردن مبارزه و اعتراض در چهارچوب قوانین اعلام شده و ملون نیست. مساله بر سر تحمیل شرایط "قانونی" و "علنی" مبارزه به دولت و طبقه حاکمه است. قانون واقعی در هر زمان محصول توازن قوای سیاسی در جامعه است. بعلاوه مساله بر سر شکل مبارزه است و نه هدف مبارزه. هدف این مبارزه باید تحمیل مطالبات عمومی علیه فلاکت اقتصادی بر طبقه حاکمه و کارفرما و دولت باشد. هدف باید عقب نشاندن دولت و درهم شکستن این تعرض ضد کارگری باشد. اما از کجا باید آغاز کرد؟ مگر نه

اینکه رژیم اسلامی هر تلاش ساده ای را سرکوب میکنند؟ چگونه در چنین شرایطی میتوان چنین امری را پیش برد؟

جایگاه جنبش مجامع عمومی

ظرف اصلی چنین اعتراضی کدامست؟ مجامع عمومی کارگری مناسبترین و آماده ترین ظرف پیشبرد چنین مبارزه ای در محیط کار و محل زندگی هستند. مجامع عمومی کارگران شکل عام تشکل در برگیرنده توده های کارگری است. تشکیلی و راه اندازی مجامع عمومی، شکل دادن به جنبش مجامع عمومی یک هدف قابل حصول و عملی است. هیچ مانع جدی و تعیین کننده ای در شکل دادن به مجامع عمومی کارگری و روتین کردن آنها موجود نیست. روزمره به هر بهانه ای میتوان مجامع عمومی کارگری را شکل داد. مجامع عمومی آن شکلی از تشکلات موجود کارگری اند که به عمل مستقیم کارگری متکی هستند. سلسله مراتب پیچیده و دور از دسترس توده کارگر ندارند. در هر محیط کاری و محل زیست میتوانند شکل بگیرند. توان رژیم برای ضربه زدن و سرکوب آن به شدت محدود است. تامین ادامه کاری و فعالیتهای مستلزم سازمان عریض و طویلی نیست. این سنت فی الحال میان کارگران ریشه دارد، اما باید آگاهانه به یک جنبش برپائی مجمع عمومی تبدیل شود.

کارگران شاغل ستون اصلی و نیروی تعیین کننده چنین حرکتی باید باشند. بدون در بر گرفتن کارگران شاغل مراکز

کلیدی نمیتوان در چنین مبارزه ای پیروز شد. قدرت طبقه کارگر در اتحاد و تشکل و نقشی است که در کنترل چرخ اقتصاد در جامعه دارد. کارگر بیکار فاقد بخشی از نقطه قدرت طبقه است، اهم اقتصادی را در کنترل ندارد. از این رو حضور محوری و کلیدی کارگر شاغل در کنار و در اتحاد با کارگر بیکار در این مبارزه تعیین کننده است. مجامع عمومی کارگری در عین ایجاد تشکل عمومی و پایدار کارگری در عین حال میتوانند ستون فقرات چنین حرکتی باشند. اما برای شکل دادن به یک حرکت توده ای در سطح جامعه این مجامع عمومی باید در هر منطقه جغرافیایی به هم مرتبط شوند. انتخاب نمایندگان کارگری در مجامع عمومی گام کلیدی در این راستا است. مبارزه علیه فلاکت اقتصادی مبارزه ای اجتماعی است. سازماندهی متناسب با آن هم باید سازمان و تشکلی فراگیر و همه جانبه باشد.

رهبری، رهبران عملی کارگران

هیچ مبارزه ای بدون وجود و نقش رهبران شناخته شده و مورد اعتماد امکان پذیر نیست. و رهبری از بالای سر رهبران در محیط کارگری ممکن نیست. موفقیت چنین مبارزه ای تماما به نقش و تحرک چنین رهبرانی گره خورده است. چنین رهبرانی را نمیتوان به محل "صادر" کرد. متقاعد کردن کار با رهبران عملی موجود، تلاش برای جلب این رهبران به چنین امری تنها کاتال پیشبرد این اهداف است. در این رابطه تجربه عملی ما حاکی از آن است که ما با دو نوع رهبر

کارگری مواجه خواهیم شد. رهبران عملی قدیمی کار و رهبران کارگری جدید و جوان و در حال شکل گیری. کار با رهبران جوان و جدید کارگری از معضلات و پیچیدگی های کمتری برخوردار است. این دسته از رهبران کارگری اگر چه از تجربه کمتری برخوردارند اما کمونیسم و مصلحت کارگری را به روایت واقعی آن شناخته اند. کمتر تحت تاثیر جریانات راست و چپ سنتی بوده اند. پرشور و معترضند. این دسته از رهبران کارگری کسانی هستند که باید بطور ویژه مورد توجه قرار گیرند. پیشقدم شدن این رهبران شرط اساسی پیشبرد چنین مبارزه ای است.

بعلاوه باید تاکید کرد که رهبری در چنین مبارزه ای حاصل تبلیغ و ترویج نیست. "قاپدنی نیست". محصول روی آوری و قرار گرفتن رهبران فی الحال موجود کارگری در چنین مکان و تلاش برای پیشبرد این مبارزه است. هیچ راه میان بری وجود ندارد. راه دیگری موجود نیست. کار ما بعنوان فعالین سوسیالیست و کمونیست جنبش کارگری اینست که موانع این راه را رفع کنیم، صف رهبران کارگران را متحد کنیم و در راس جنبش علیه فلاکت اقتصادی و آزادی جامعه قرار دهیم.

گامهای بعدی پیشبرد چنین مبارزه ای منوط به حل این مساله گرهی است! ما تمامی رهبران و فعالین رادیکال سوسیالیست طبقه کارگر را به سازماندهی چنین مبارزه ای فرا میخوانیم.*

گرانی ها و یک

کالای ارزان

کیوان جاوید

سایت فردا خبر میدهد در راستای ادامه طرح هدفمندی یارانهها و همزمان با گرانی بنزین که با دو نرخی شدنش به نوعی تصویب شده است، حالا گرانی

سایر حاملهای انرژی مانند آب و برق و گاز هم در راه خواهد بود.

یک جنگ عظیم اجتماعی در جریان است. جنگ بقاء، جنگ زندگی، جنگ بر سر رفاه. در یک سوی این نبرد طبقاتی حکومت اسلامی ایستاده است. با متفکرین و ایدئولوگهایش، با اقتصاددان هایش و با نظامیان و سرکوبگران و جلادهایش. در سوی دیگر این نبرد اجتماعی ارتش عظیم

کارگران و همه مزد بگیران ایستاده اند. ۹۹ درصدی های جامعه ایران با حزب و سخنگویان و متفکرین و رهبرانش.

این فقط جمهوری اسلامی و یک مشت «آخوند بی سواد» و عقب مانده نیستند که کمر به تاراج زندگی ما بسته اند. این دکترین نظام اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان است که علیه اکثریت آحاد جامعه بشری سازمان یافته است. از صندوق

بین المللی پول تا بانک جهانی تا کارفرمایان وطنی و دولت های جهانی و حکومت های محلی، دشمنان بشریت و رفاه و آسایش مردم جهان اند.

در مقابل گرانی که افسار گسیخته است و سیل وار زندگی ما را به تاراج می برد، فقط یک کالا است که هر روز ارزان و ارزان تر می شود و آن نیروی کار ما کارگران، معلمان، پرستاران و همه مزد بگیران است. این گرانی و ارزانی را سر باز

ایستادن نیست چون قانون نظام اقتصادی حاکم بر همه جوامع بشری همین است. تنها جدال و جنگ بی امان ما با مسببین این اوضاع غیر انسانی است که ورق زندگی می تواند به سود انسانیت برگردد. تا در زندگی بشری هیچ چیز کالا نباشد که کسانی بخواهند بخرند یا بفروشند. تا همه چیز برای رفاه همگان باشد. تحقق این امید و این آرزو یعنی برقراری جامعه آزاد انسانی، یعنی سوسیالیسم.

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

راه دفاع از کارگران و معلمان زندانی اعتصاب غذا نیست!

بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی موج گسترده‌ای از حمایت و همبستگی نهادها و فعالین جنبش کارگری، جنبش معلمان، بخش‌هایی از پرستاران و زندانیان سیاسی را بدنبال داشته است. آخرین رویداد در این رابطه انتشار بیانیه‌ای با امضای ۳۵۷ نفر از معلمان است. این بیانیه اعتراضی است علیه "مرگ عدالت در این سرزمین" و اعتراض "به همان مواردی که جناب بهشتی و جناب عبدی در اعتراض به آنها در اعتصاب غذا هستند."

باید امیدوار بود و کوشید که انتشار بیانیه ۳۵۷ نفر از معلمان معترض "سرآغاز انتشار تومارهای طویل‌تر و با امضاها بیشتر از جانب کارگران و معلمان و فعالین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالین دیگر جنبش‌های اعتراضی و مدنی باشد."

امضا کنندگان تومار همچنین اعلام کرده‌اند در روزهای ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت در حمایت از معلمان زندانی دست به اعتصاب غذا خواهند زد. خواست آزادی معلمان زندانی، اعتراض به "مرگ عدالت"، و اعتراض به مواردی دیگری که در

یک خواست مهم در قطعنامه کارگران سنندج بمناسبت اول مه لغو اتهام اقدام علیه امنیت ملی و دیگر اتهامات امنیتی برای فعالان کارگری و معلمان و سایر اصناف است. این یکی از خواست‌های اعلام شده در بیانیه عظیم زاده - عبدی است که در تومار ۳۵۷ معلم در حمایت از معلمان زندانی نیز مطرح شده است.

"اخلال در امنیت" بهانه و پاپوش قانونی است که اساس پرونده‌های حکومت علیه کارگران و معلمان و همه زندانیان سیاسی را تشکیل می‌دهد. جمهوری اسلامی، مانند همه دیکتاتورهای سرکوبگر، هر تلاش و اعتراض کارگران و معلمان و سایر بخش‌های جامعه در دفاع از حقوق پایه‌ای خود را "اخلال در امنیت ملی" می‌خواند و با تعقیب و بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می‌دهد. خواست پاک کردن این اتهام از پرونده‌ها در واقع دفاع از حق

بیانیه عظیم زاده - عبدی و کیفرخواست بهشتی عنوان شده یک اقدام اعتراضی بجا و پیشرو و موثر است اما اعتصاب غذا روشی پیشرو و قابل حمایت نیست. اهمیت حرکت کارگران و معلمان زندانی نه در اعتصاب غذا بلکه در بیانیه اعتراضی و خواست‌هایی است که اعلام کرده‌اند. اعتصاب غذا حتی در زندان قابل تأیید نیست اما اگر در هر حال بخاطر محدودیتها و فشارهایی که در زندان وجود دارد روی آوری زندانیان به این شیوه تا حدی قابل درک باشد، در خارج از زندان این حرکت هیچ ضرورت و موضوعیت و توجیهی ندارد. راه درست و تعرضی و اصولی و موثر دفاع از کارگران و معلمان زندانی و خواست‌های برحقشان اعتصاب و تجمع و تحصن و همین جمع آوری امضا و انتشار تومارهای اعتراضی و مطالباتی است و نه روش خودزنانه و دفاعی اعتصاب غذا. نه تنها نباید اعتصاب غذای زندانیان را به خارج از زندانها بسط داد بلکه باید تلاش کرد با سازماندهی یک جنبش متحد و موثر در دفاع از کارگران و معلمان در بند و تحقق خواست‌هایشان اعتصاب غذای این عزیزان نیز هر چه زودتر پایان یابد.

ایران، عربستان و "مشکل اینترنت!"

اینترنت است. سایت رادیو فردا

این تنها مشابهت بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی نیست. وجه تشابه اصلی این دو رژیم اسلامی تحمیل قوانین و اخلاقیات مافوق ارتجاعی مذهبی بر جامعه است و دقیقاً بخاطر نقش اینترنت، و عبارت بهتر استفاده مردم از اینترنت، در بحالش کشیدن اسلام حاکم است که حکومت‌های مذهبی این دو کشور از تأثیرات اینترنت در جامعه احساس خطر میکنند. در ادامه این گزارش آمده است:

"روحانیون سنتی و محافظه کار ایران و نهادهای مذهبی وهابی در عربستان که قرار است با هم اختلافات مذهبی داشته باشند، هر دو نگران تأثیرات اینترنت بر جامعه هستند. ..."

حکومت شیعه ایران و نظام وهابی عربستان سعودی اگرچه در عرصه سیاست خارجی رقیبان یکدیگر به شمار می‌روند، اما به گزارش مؤسسه استراتفور هر دو حکومت در عرصه داخلی با مشکل مشابهی روبرو هستند و آن کنترل اپوزیسیون داخلی و

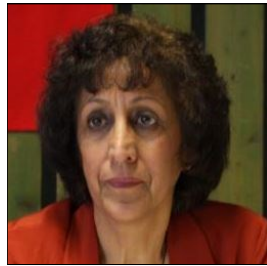
دشمن و رقیب یکدیگر اند. تا آنجا که به سیاست داخلی و رابطه این دو حکومت ارتجاعی با جامعه مربوط می‌شود نیز مساله بر سر تشیع و وهابیت نیست. از نظر توده مردم تحت سلطه این حکومتها این دو فرق چندانی با هم ندارند. نقض پایه‌ای ترین حقوق شهروندان بویژه زنان و لگدمال کردن هر نشانه‌ای از آزادی و انسانیت وجه مشترک این دو حکومت مذهبی است. رهائی مردم ایران و عربستان و کل منطقه در گرو جارو کردن بساط حکومتها و نیروهای اسلامی از کل منطقه است و یکی از ابزارهای موثر در این مبارزه همچنانکه تجربه انقلابات بهار عرب نشان داد، اینترنت و مدیای اجتماعی است.

چندانی ساخته نیست. این واقعیت که در ایران تلگرام بیش از بیست میلیون، یعنی حدود یک پنجم کاربران در کل دنیا، کاربر دارد نشان‌دهنده ناتوانی حکومت در کنترل اینترنت و چالش‌ها و اعتراضات و مبارزاتی است که از طریق اینترنت در جامعه شکل می‌گیرد.

گزارش رادیو فردا به اختلافات حکومت شیعه در ایران و نظام وهابی در عربستان اشاره میکند اما اساس مساله، نه در سیاست خارجی و نه در سطح داخلی، اختلاف بین شاخه‌های مختلف اسلام نیست. جمهوری اسلامی و آل سعود نه بخاطر اختلاف بین تشیع و وهابیت بلکه اساساً برای گسترش نفوذ خود در منطقه

سخنی با معلمان

درمورد بیانیه ۳۵۷ معلم در حمایت از معلمان زندانی



دوستان عزیز!

این روزها جنب و جوش و تحرک اعتراضی مهمی در میان معلمان و کارگران در جریان است. حرکت اعتراضی معلمان بازنشسته در مقابل مجلس در دو هفته قبل همراه با بازنشستگان صنایع فولاد با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون که تجمعی ۵ هزار نفر را در مقابل مجلس اسلامی شکل داده بود، بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی از زندان و حمایت تشکلهای کارگری، کانون های صنفی معلمان در چندین شهر، حمایت مراکز کارگری مختلف، حمایت از سوی ۴۱ نفر از زندانیان سیاسی و زندانیانی که تحت عنوان غیر سیاسی در رجایی شهر در زندانند و حمایت رهبران کارگری و فعالین سیاسی از زندان و از بیرون از زندان چون بهنام ابراهیم زاده، پروین محمدی، هاشم خواستار و بازتاب گسترده این حرکت در ایران و حتی در سطح بین المللی از نمونه های قابل توجه آنست.

از جمله این تحرکات بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری و اسماعیل عبدی از رهبران جنبش اعتراضی معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و انگشت گذاشتن آنها بر خواسته های فوری کارگران و معلمان در کنار یکدیگر، شروع دور جدیدی از اتحاد و همبستگی دو صف کارگران و معلمان در آستانه روز جهانی کارگر بود. و این بسیار مهم است.

کارگران و معلمان هم سرنوشتند. به یک طبقه تعلق دارند. با رنج ها و مسائل اساسا مشابهی دست بگریبانند. و من به عنوان کسی که خود معلم بوده ام و به عنوان کسی که وضعیت کل طبقه کارگر مشغله هر روزه ام میباشد، معتقدم که اعتراض مشترک اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده از درون

زندان یک حرکت اعتراضی مهم است که به طور واقعی خواسته های کل جامعه را نمایندگی میکند. به همین دلیل هم با موجی از حمایت از گوشه و کنار جامعه روبرو شده است. باید تلاش کنیم که این حرکت با حمایت و توجه هرچه بیشتر کل جامعه مواجه شود.

طوماری که شما ۳۵۷ معلم شریف انتشار داده اید نیز یکی از همین لحظات اعتراضی در حرکت معلمان و طبقه کارگر است. شما به درست به زندانی کردن معلمان اعتراض دارید، به دادگاههای مخفی اعتراض دارید. به امنیتی شدن مبارزات برحق کارگران، معلمان و مردم معترض اعتراض دارید. بیان این خواستها و اعتراضات بسیار مهم و حیاتی است و من خود را در کنار شما میدانم و از این خواستها که در طومار اعتراضی تان اعلام کرده اید حمایت میکنم. اما دو ملاحظه جدی نیز دارم که مایلم به اطلاعاتان برسانم.

اولا چرا اعتصاب غذا؟

در زندان نیز اعتصاب غذا شکل مناسبی برای اعتراض نیست اما کاملا قابل درک است که زندانی در زندان، بعضا زیر فشار ناگزیر به اعتصاب غذا میشود برای اینکه اعتراضش را به گوش جامعه برساند. اما در بیرون زندان نحوه حمایت ما از این حرکت گسترش اعتصاب غذا نیست. کار ما قاعدتا اینست که با حمایت همه جانبه مان از خواسته های زندانیان سیاسی و با فشرده کردن مبارزاتمان فشار را از روی آنان کم کنیم، صدایشان را بازتاب دهیم، برایشان حمایت جمع کنیم و کاری کنیم که ناگزیر نشوند به این شکل از اعتراض روی آورند و به جسم و به وجودشان آسیب برسانند و خواستار آزادی بدون قید و شرط آنان از زندان شویم.

اما اعلام اعتصاب غذا بعنوان شکلی از اعتراض در

بیرونی از زندان، موضوعی کاملا متفاوت است و اتخاذ آن به عنوان شکلی از بیان اعتراض از سوی شما ۳۵۷ معلم اصلا موضوعیست ندارد. به عبارت روشتر اعتصاب غذا شکل مناسب اعتراض ما مردم و بیان اعتراضات اجتماعی جامعه نیست. آنهم در شرایطی که عملا نشان داده ایم که میتوانیم طومار بهیم، اعتصاب کنیم، راهپیمایی کنیم، و امثال اینها،

اعتصاب غذا به لحاظ سابقه نیز شکلی از بیان اعتراض است که عمدتا رنگی مذهبی داشته و در راستای همان روزه سیاسی و خودزنی و اشکال مبارزاتی جریانات ملی اسلامی قرار دارد و بطور واقعی شکل بسیار دفاعی و شاید بتوان گفت پاسیوی از مبارزه است که عمدتا راهکاری در تقابل با مبارزات خیابانی و تجمعات و اعتراضات سراسری کارگران و کل جامعه است. روی آوردن به این شکل از اعتراض در سطح جامعه، میتواند جهت مبارزه را تغییر دهد و باید نسبت به آن هوشیار بود.

یک کارزار مهم شما معلمان در طول مبارزات یکساله تان حمایت از معلمان زندانی بوده است. جمع آوری طومار اعتراضی در تمامی شهرها در حمایت از معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی، تاکید بر خواست آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی در واقع کار مهمی است که اکنون در ادامه این حرکت میتواند صورت گیرد و به آن کمک کند.

نکته و شاید بهتر است بگویم ملاحظه دوم من اینست که چرا وقتی که حرکت مشخصی از جانب اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده صورت گرفته شما در مورد این حرکت و این بیانیه کاملا ساکت هستید؟ چرا اشاره ای به بیانیه آنها و اعتصاب

غذای آنها نمیکنید؟ ممکن است کسی بگوید ملاحظه ای در کار است که حکومت سوء استفاده نکند و غیره. اما اگر شما میخواهید ملاحظه کاری کنید همین طومار را هم نمیتوانستید بیرون بدهید.

حمایت از بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی که میگوید باید کلیه احکام زندانی که بخاطر اعتراض معلم، اعتراض کارگر و هر اعتراضی برای حق و حقوق خود با حکم "اخلال در امنیت ملی" داده شده، لغو شود، به طور واقعی حمایت از تمامی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی است. حمایت از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادیهای وسیع اجتماعی است. از جمله این بیانیه حمایت از محمود بهشتی یکی دیگر از معلمان زندانی که بخاطر مبارزاتش ۱۴ سال حکم زندان گرفته نیز هست. محمود بهشتی در اعتراض به این حکم از اول اردیبهشت در اعتصاب غذا بسر میرود و وضعیت وی یکی از موضوعات اعتراض شما نیز هست. انتظار میرود هم او و هم شما ۳۵۷ معلمی که دست به اقدامی اعتراضی زده اید، قاطعانه از بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی حمایت کنید. و حمایت از این بیانیه را به بندی از خواسته های مهم خود در طومارهای اعتراضی تان تبدیل کنید. سکوت شما معلمان عزیز در مورد حرکتی که کاملا به اعتراضات مربوط است و انعکاس و پژواک وسیعی هم داشته است بسیار سوال برانگیز است.

این حرکت همانطور که اشاره کردم بطور سمبلیک بر اتحاد و هم سرنوشتی پایه ای معلمان و کارگران تاکید میگذارد. و هر معلمی نسبت به آن باید حساس

و همراه باشد. روشن است که وظیفه ماست که با کارزاری متحد و سراسری از تمامی معلمان و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط حمایت کنیم. اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، جعفر عظیم زاده، علیرضا هاشمی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. تمامی احکام زندان صادر شده برای رهبران اعتراضات کارگری، معلمان، و بخش های مختلف جامعه باید فوراً لغو شود. علی اکبر باغانی یکی دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان که بعد از یکسال زندان برای اجرای حکم تبعید به زابل راهی شد، باید به کار خود و به محل زندگی اش بازگردد. و بالاخره آخرین تاکید اینست که تحمیل ریاضت اقتصادی و سرکوب مبارزات مردم و از جمله سرکوب فعالین و رهبران کارگری دو جزء مهم سیاست جمهوری اسلامی است. در کنار اعتراض به سرکوبگری ها و خواست آزادی فوری معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی، پیگیری خواسته های حقوقی به سه میلیون و پانصد هزار تومان که رقم اعلام شده خط فقر است، تحصیل و درمان رایگان یک گام مهم برای حفظ اتحاد سراسری ما معلمان است. حول این خواستها گرد آییم، صف اعتراضات متحد نگاهداریم و با تمام قوا از همکاران زندانی خود و زندانیان سیاسی حمایت و پشتیبانی کنیم.

شها دانشفر

۱۳ اردیبهشت ۹۵

سایت حزب:

www.wpiran.org

سایت روزنه:

www.rowzane.com

سایت کانال جدید:

www.newchannel.tv

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

از ما میپرسند؟

آیا بعد از شکست کمونیسم در چین و شوروی و تبلیغات عظیم ضد کمونیستی رسانه ها کمونیسم همچنان شانس موفقیت دارد؟

حمید تقوائی: کمونیسم مدل شوروی چیزی فراتر از یک سرمایه داری دولتی و برنامه ریزی شده نبود و لذا شکست آنرا نباید به پای کمونیسم نوشت. دولتها و رسانه های بورژوازی چنین تبلیغ میکنند که در شوروی سوسیالیسم و کمونیسم شکست خورد اما حتی صاحب نظران و آکادمیسینهای بورژوازی میدانند آنچه در شوروی و بلوک او فروپاشید نوعی سرمایه داری دولتی بود که تاب رقابت و مقاومت در برابر سرمایه داری بازار آزاد را نداشت. آنچه تجربه شوروی نشان داد این واقعیت بود که سرمایه داری تحت نام کمونیسم و منهای رقابت و مکانیسم بازار آزاد قادر به ادامه حیات نیست. این نه سوسیالیسم بلکه نهایتا بن بست سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم بود که بلوک شوروی را به بحران کشید و نهایتا فرو پاشاند. در چین این تناقض را با پیاده کردن مدل اقتصادی نتولیبرالی (مکتب شییکاگو) و میدان دادن به مکانیسمهای بازار حل کرده اند. کمونیسم چینی حتی سرمایه داری دولتی نیست بلکه سرمایه داری بازار آزاد با شدید ترین عریان ترین استثمار و بهره کشی از کارگران است. طبیعی و کاملاً قابل درک است که رسانه های غربی که در تمام مدت جنگ سرد از سختترین و شدیدترین حملات علیه آرمان سوسیالیسم و کمونیسم فروگذار نکردند شکست بلوک شوروی و یا استثمار شدید کارگران در چین را بحساب کمونیسم بنویسند. اما این خصومت بخاطر آرمانهای انسانی و برابری طلبانه ای است که همچنان با کمونیسم و سوسیالیسم تداومی میشود.

تبلیغات ضد کمونیستی سرمایه داران و دولتها و رسانه های مدافع منافع آنان تنها حقانیت سوسیالیسم و کمونیسم را نشان میدهد و بس. ضرورت و مطلوبیت کمونیسم نه از این یا آن تجربه شکست خورده، بلکه از شرایط عینی سیاسی و اقتصادی، و تبعیضات و بی حقوقی ها و نابرابری هائی ناشی میشود که زائیده نظام سرمایه داری است و هر روز فاحش تر و شدید تر زندگی توده مردم جهان را در چنگال خود میفشارد. تبعیضات و نابرابری هائی که امروز در غارت نود درصد ثروت تولید شده بوسیله کارگران و توده مردم زحمتکش جهان بوسیله سرمایه دارن مالیتی میلیاردری که تعدادشان از یک درصد جمعیت دنیا بیشتر نیست خود را نشان میدهد. کمونیسم راه رهائی مردم جهان و امروز باید گفت رهائی کره ارض، از سلطه یک درصدیهای است که نفس زندگی و بقای بشریت و کره زمین را در معرض نابودی قرار داده اند. اگر ده ها شوروی بیاید و برود در نیاز توده مردم به رهائی از نظام ضد انسانی سرمایه داری تخییری داده نمیشود. همین ضرورت است که امروز فضای سیاسی حتی در کشورهای محور سرمایه داری جهانی نظیر آمریکا و انگلستان را به چپ سوق داده است. ده سال بعد از فروپاشی شوروی مارکس بعنوان محبوب ترین شخصیت هزاره از سوی مردم اروپا انتخاب میشود و یک کاندید ریاست جمهوری آمریکا، کشوری که حتی سخن گفتن از سوسیالیسم یک تابو و یک نوع خودکشی سیاسی است، خود را سوسیالیست مینامید و محبوبیت کسب میکند. جهان

حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت آلومینیوم المهدی هرمز آل امروز همراه با اعضای خانواده های خود و جمع کثیری از مردم شهر دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری زدند. کارگران به اخراج ۶۲۰ نفر از کارگران این مجتمع، حذف حقوق شرایط سخت و زیان آور محیط کار، افزایش ساعات کاری، عدم وجود امنیت شغلی، عدم پرداخت به موقع حقوق، عدم پرداخت بیمه تکمیلی و عدم پرداخت مزایای مصوب از قبیل بهره وری و عیدانه اعتراض دارند. هشت روز متوالی است که کارگران دست به تجمع و تحصن در مقابل کارخانه زده اند. از جمله در روز ۱۲ اردیبهشت کارگران پلاکاردهایی به مناسبت روز جهانی کارگر در دست داشتند. کارگران تجمع امروز خود را به مقابل استانداری کشاندند.

کارگران این شرکت طی فراخوانی از کلیه مردم هرمزگان خواسته بودند که دوشادوش برادران و خواهران خود در شرکت آلومینیوم المهدی هرمز آل در تجمع بزرگ اعتراضی امروز در مقابل استانداری هرمزگان شرکت نموده و بار دیگر نشان دهند که مردم هرمزگان متحدانه در مقابل ظلم و تعدی به آنان خواهند ایستاد. در پاسخ به این فراخوان جمع کثیری از جوانان و مردم شهر و اعضای خانواده

ما، نود و نه درصد مردم دنیا و امروز حتی نفس ادامه زندگی بر روی کره زمین، بیش از هر زمان دیگری به سوسیالیسم نیازمند است. اما آیا این ضرورت و مطلوبیت به تحقق سوسیالیسم منجر خواهد شد؟ پاسخ به این سؤال تماماً به تلاش و مبارزه کمونیستها و احزابی کمونیست کارگری نظیر حزب ما گره

های کارگران به تجمع آنها پیوستند و تجمع گسترده ای در مقابل استانداری تشکیل شد.

گفته میشود که کارفرمای خصوصی این مجمع قصد دارد صدها کارگر دیگر را اخراج کند. پیش از این نیز کارگران مجتمع آلومینیوم المهدی هرمز آل دست به تجمعات متعددی زده که آخرین آن سه روز به طول انجامید و منجر به بسته شدن درب این کارخانه توسط کارگران معترض شد. گفته میشود که این مجتمع به مبلغی چند برابر کمتر از قیمت واقعی آن به بخش خصوصی فروخته شده و کارفرمای جدید آن به جان کارگران افتاده، حقوق و مزایای آنان را بالا کشیده و در حال اخراج تعداد قابل توجهی از آنان است.

هرمزگان یکی از مراکز انفجاری کارگری است. بسیاری از مراکز کارگری در سالهای اخیر با تعطیلی و یا تعدیل نیروی کار مواجه شده و تعداد زیادی از کارگران با سوابق کاری بالا کار خود را از دست داده اند و به خیل عظیم بیکاران پیوسته اند. ناراضیتهای بیاد میکند و تجمع امروز کارگران و مردم شهر در مقابل استانداری حاکی از فضای تعرضی در این شهر

خورده است. شرایط امروز دنیا به یک نیروی چپ اجتماعی در غرب و در شرق شکل داده است اما متشکل و متحزب کردن این نیرو تماماً به فعالیت احزابی نظیر حزب ما بستگی دارد. از نظر عینی و شرایط سیاسی و اجتماعی سیاسی امروز ضرورت و مطلوبیت کمونیسم بیش از هر زمان دیگری برجسته و آشکار و به یک امر مبرم تبدیل شده

مردم هرمزگان به حمایت از کارگران اعتصابی برخاستند! کارگران امروز هشتمین روز تجمع خود را پشت سر گذاشتند! خانواده های کارگران نقش فعالی در اعتراض دارند!

است. فراخوان کارگران به مردم شهر برای حمایت از آنان و شرکت در تجمع آنها و پاسخ مثبت مردم به این فراخوان بی اندازه حائز اهمیت است و بعنوان الگویی راهگشا میتواند از جانب کارگران کلیه مراکز کارگری و معلمان و پرستاران به کار گرفته شود. این یک پیشروی مهم در اعتراضات رو به رشد کارگران است. در دو سال گذشته حضور خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی آنها گسترش یافته است. فراخوان کارگران این مجتمع به مردم شهر گام بسیار مهم دیگری به جلو است. کارگران در مقابل ابعاد تعرضات هر روزه ای که به آنان صورت میگیرد راهی جز همراه کردن خانواده های خود و خیل وسیع مردم معترض ندارند.

زنده باد کارگران شرکت آلومینیوم المهدی هرمز آل، خانواده های آنها و مردم هرمزگان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵، ۴ مه ۲۰۱۶



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

است. اما امکان تحقق آن تماماً به فعالیت احزاب و جنبشها و افرادی بستگی دارد که این ضرورت و مطلوبیت را نمایندگی و برای توده مردم قابل انتخاب میکنند. کمونیسم در دوران ما نه تنها یک امر مطلوب و ضروری بلکه تنها راه عملی و ممکن رهائی بشریت از منجلابی است که سرمایه داری بر دنیا حاکم کرده است.



انترناسیونال
 نشریه حزب کمونیست کارگری
 سردبیر این شماره: علی جوادی
 مسئول فنی: سهند مطلق
 ای میل: anternasional@yahoo.com
 انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود